

بازی کردن در زمین خشونتگر

Photo: airdone/bigstockphoto.com

نعیمه دوستدار

«چرا ولش نمی کنی بروی؟ ازش شکایت کن. انگار خودت هم بدت نمی آید که روزی یک فصل کتک بخوری، این آدم چه چیزش قابل دوست داشتن است؟ اصلاً چطوری می گویی هنوز دوستش داری؟ دیگر برای من از کارهاش تعریف نکن، آبغوره هم نگیر.»

حرف‌ها مثل پتک روی مغزش فرود می آمدند. باد، هم خراش صورتش را می سوزاند و هم هوهویش کلافه اش می کرد. از کافه برگشت خانه و وقتی کلید انداخت، از لای در نیمه باز اتاق خواب، او را دید که روی تخت خوابیده و چراغ‌ها را روشن نکرده. تصویر خودش را دید در آینه کنار در، ترسیده و پف کرده و خراشیده.

کیفش را گذاشت توی کمد و رفت توی آشپزخانه و یک مشت برنج ریخت توی کاسه برای شام.

قربانیان خشونت خانگی تنها قربانی خشونت فیزیکی یا روانی فرد خشونتگر نیستند. حلقه متصل به زنجیره خشونتی که این افراد را در خود اسیر می کند، خشونت کسانی است که در قالب دلسوز و راهنما و مشاور، قربانی را به خاطر خشونتی که بر او می رود سرزنش می کنند و این سرزنش، عامل بازدارنده‌ای است که مانع خروج شخص از وضعیت نابهنجار خود می شود و گاهی حتی او را به واکنش دفاعی از موقعیت خود وا می دارد.

ویژگی خشونت خانگی چیست؟

در خاطره بسیاری از قربانیان خشونت خانگی سرزنش اطرافیان حضور پررنگی دارد. نسرین افضلی فعال حقوق زنان و پژوهشگر می گوید که برای درک یک فرد قربانی خشونت خانگی باید نخست تفاوت خشونت خانگی را با انواع دیگر خشونت درک کرد: «باید بینیم چرا این مفهوم وجود دارد و چرا دو نوع خشونت تعریف می کنیم: خانگی و غیرخانگی؟ مگر نه اینکه خشونت یعنی رفتار فیزیکی یا روانی خشونت آمیز، چرا ما نیاز داریم صفت خانگی به آن اضافه کنیم؟»

علتش این است که بعد از سال‌ها تحقیقات در مورد انواع خشونت‌ها، محققان متوجه شدند نوعی از خشونت هست که علایم و نتایج متفاوتی دارد و فرق دارد با خشونت‌های دیگر. واکنش آدم‌ها چه اعمال کننده چه قربانی در این نوع خشونت با انواع دیگر فرق دارد. بنابراین برایش تعریف دیگری ارائه دادند؛ به این معنی که خشونت خانگی چون در فضای صمیمی از سوی نزدیک‌ترین افراد - به طور خاص زن و مردی که با هم در رابطه عاطفی و جنسی هستند یا در روابط همجنسگرا - و در روابط دگرجنسگرا بیشتر از سوی مرد بر زن اعمال می شود، با دیگر انواع خشونت تفاوت دارد. علتش به همین بر می گردد که وابستگی عاطفی وجود دارد و فرد نمی خواهد قبول کند کسی که دوستش داشته یا همچنان دوستش دارد، به او خشونت می کند. یا مثلاً ممکن است فرزندان وجود داشته باشد که به خاطر آنها مواجهه فرد با خشونت فرق دارد. نمی خواهد او را ترک کند یا همان رفتاری را که در مقابل دیگرانی که به او خشونت می کنند، با او داشته باشد.»

وابستگی مالی موقعیت زن را شکننده می کند

علاوه بر اینها وابستگی مالی به خصوص در فضای سنتی مردسالار در ایران که تقسیم جنسیتی نقش‌ها در آن وجود دارد، یعنی مرد زن را تامین مالی می کند و زن وظیفه خانگی دارد، به ویژه زن را در موقعیت شکننده‌ای قرار می دهد که نمی تواند به راحتی از رابطه بیرون بیاید.

نسرین افضلی می گوید: «فشارهای اجتماعی هم در فضای سنتی و مردسالار وجود دارد. جامعه چون خانواده را محل سوختن و ساختن و مدارا می داند، به زن هم فشار می آورد که خود را در ساختار خشونت نگه دارد. نکته بعدی احساس تحقیر است. چون زن در بیان مجدد دوباره تحقیر می شود و به همین دلیل ترجیح می دهد کسی نداند که او در معرض خشونت است.»

برای قربانیان خشونت خانگی پذیرش واقعیت تلخی که به آنها نشان می دهد بخش مهمی از عمر، زمان و عاطفه خود را صرف یک رابطه شکست خورده کرده‌اند آسان نیست. پذیرش این مساله اغلب زمانی طولانی طلب می کند و عوارض روانی و عاطفی دارد. فرد خشونت دیده سرمایه عاطفی و انسانی خود را بر باد رفته می بیند.

[در همین رابطه بخوانید: [خشونت اقتصادی با زنان: وابسته بمان!](#)]

ساختار اجتماعی ایران نسبت به زن خشن است

نکته دیگر نداشتن حمایت‌های قانونی و رسمی در خارج از خانه است. نسرین افضلی می‌گوید که ساختار جامعه‌ای مانند ایران نسبت به زنان خشن است: «مهم‌ترین چیز در ایران نابرابر قدرت در ساختار خانواده و حتی خارج از خانواده در رابطه دوست دختر و دوست پسرها با اینکه رابطه رسمی نیست، در صورت رسیدن به مراحل قانونی، باز این مرد است که دست بالا را دارد.»

خشونت در خانواده به وسیله قانون تثبیت شده. برای زن راحت نیست که از خانه بیرون برود، اما مرد انواع راه‌های قانونی را دارد که زن را سرکوب کند: کنترل اقتصادی، تهمت زدن، گرفتن حضانت، ممنوع‌الاشغال کردن، ممنوع‌التحصیل کردن و ممنوع‌الخروج کردن. زن از ترس پیامدهای حقوقی قضیه، نمی‌تواند به سادگی از رابطه خشونت‌آمیز خارج شود.»

همه اینها در شرایطی است که خشونت خانگی هنوز در قوانین ایران جرم‌انگاری نشده و حتی در مقابل بلکه بخشی از فرهنگ و قانون رسماً خشونت علیه زنان را به عنوان حق مردان به رسمیت شناخته و محترم شمرده است.

نسرین افضلی می‌گوید: «حالا با تمام این شرایط در صورت ماندن در رابطه تقصیر را به گردن زن می‌اندازند که اگر ناراحت است چرا نمی‌آید بیرون؟ زنی که از تمام ابزارهای اقتصادی اجتماعی قانونی محروم است باز محکوم است که چرا از رابطه خارج نمی‌شود یا خشونت را گزارش نمی‌کند. تمام اینها خشونت مضاعف است در جامعه‌ای مثل ایران.»

[در همین رابطه بخوانید: [از پدرسالاری تا مردسالاری: راهی که بسیاری از زنان نمی‌روند!](#)]

قربانی را مقصر ندانیم

رضا کاظم زاده، روانشناس مقیم بلژیک می‌گوید: «قربانی خشونتی که هنوز در رابطه است، به خصوص در رابطه‌ای دراز مدتی که فرد در آن ارتباطات عاطفی اقتصادی و جنسی دارد وضعیت پیچیده‌ای از نظر روانی و اجتماعی دارد. در چنین مواردی اگر شخص مورد سرزنش قرار بگیرد، سرزنشگران باید آگاه باشند که در مسیر فرد خشونتگر دارند گام بر می‌دارند. برای اینکه بتوان فردی را در یک وضعیت خشونت برای دراز مدت نگاه داشت، یکی از روش‌های مهم خشونت‌گران این است که اعتماد به نفس فرد را از او بگیرند. هر چه بیشتر اعتماد به نفس فرد را بگیرد و شخصیتش را خرد کنی، او توانایی تغییر وضعیتش را بیشتر از دست می‌دهد. وقتی فرد قربانی را سرزنش کنیم در همان مسیر خشونتیم. هم تصویر او از خودش و عزت نفسش را از بین می‌بریم، این از اهداف خودآگاه و در موارد ناخودآگاه فرد خشونت‌ورز است.»

کاظم زاده درباره نحوه برخورد با قربانیان خشونتی که برای مشاوره، همفکری یا دردل به نزد دوستان و نزدیکان می‌روند می‌گوید: «در مورد فردی که در این موقعیت قرار دارد، نباید قضاوت کرد. نباید فراموش کرد که معمولا کسانی که دراز مدت در رابطه می‌مانند خیلی از امکانات اولیه را از دست داده‌اند. اعتماد به نفس و عزت نفس فرد ضعیف شده. خشونتگر، معمولا ارتباطات همسرش را با دنیای بیرون از بین می‌برد یا کاهش می‌دهد. اگر کسی با ما صحبت می‌کند، خود این صحبت کردن جرات و جسارت می‌خواهد و شاید ما از افراد معدودی بوده‌ایم که او به ما اعتماد کرده.»

این روانشناس توصیه می‌کند که به فرد خشونت دیده فرصت حرف زدن بدهیم: «باید روی احساس امنیتش کار کرد، باید جایگزین‌ها و دورنماهای قابل قبولی در مقابلش وجود داشته باشد. او باید امکان‌های دیگری را که موجود است ببیند. قربانیان خشونت خانگی، در خیلی از موارد حتی در خارج از ایران بدون اینکه دوستانشان بدانند ده‌ها بار خانه‌های امن می‌روند اما بعد از مدتی به خاطر تنهایی یا فرزندانشان، یا به خاطر بعضی از امکانات یا نگرانی از آینده دوباره به آن رابطه بر می‌گردند. پس مساله تنها خروج از خانه نیست، بلکه تصویر آینده خیلی مهم است. باید خیلی صبور بود. کسانی که آشنایی ندارند ممکن است در خطر قضاوت و همه مسایل را به فرد برگردانند بیفتند، اینکه به فرد خشونت دیده بگوییم که تو ضعیفی و خودت می‌خواهی که در این شرایط بمانی، تنها بازی کردن در زمین فرد خشونتگر است.»

بیشتر بخوانید: [چرا از روابط خشونت‌آمیز جدا نمی‌شویم؟](#)